

The Necessity of Creating a Network of Managerial Staff to Create Good Governance in The Second Steps of the Iran Islamic Revolution

Seyed Mohsen Khademi¹, Arash Nazem Boushehri²

¹ PhD candidate, Political science, Islamic Azad University, No 223 Imam Hosein Square, Tehran, Iran, smohsenkhademi@yahoo.com

² Textile Engineering Faculty, Amirkabir University of Technology, 424 Hafez Ave, 15875-4413, Tehran, Nazem.arash@aut.ac.ir

Corresponding author: Seyed Mohsen Khademi, smohsenkhademi@yahoo.com
Copyright © 2019 The First National Congress of Governance. All rights reserved.

Today, the concepts of good governance and excellence governance are dramatically discussed in scientific circles. Good governance in developing countries is being established and seeks to implement the characteristics of this model, including legitimacy, government efficiency, transparency, accountability, and poverty reduction, in line with the goals of the capitalist system. In comparison, excellence governance contains better goals. It can be said that the formation of good Islamic governance from the approach of a worthy ruler can be achieved. Training a competent ruler and creating a suitable structure for the emergence of talented people in this field can be considered a catalyst to achieve good governance. On the other hand, the declaration of the second step of the Islamic Revolution was a turning point, which was the country's scientific community and drew a doctrine for the second fortieth anniversary of the Islamic Revolution. Achieving a new Islamic civilization requires cadre building and training young people who believe in the Islamic Revolution and take steps towards creating a new Islamic civilization. In this regard, qualitative research in this regard was conducted using the Philip Mayring method, which mentions the need to create a staffing network and also its output is a 5-step process including identification and talent, empowerment and field development, field performance evaluation, Leadership, monitoring and transfer of experience and networking, each of which has a precise mechanism in this process.

Keywords: Governance, Good Governance, Excellence Governance, Second Steps of Islamic Revolution, Creating Network

ضرورت ایجاد شبکه کادرسازی مدیریتی جهت ایجاد حکمرانی شایسته در گام دوم انقلاب اسلامی

سید محسن خادمی^{۱*}، آرش ناظم بوشهری^۲

۱- دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد تهران مرکز ۲- کارشناسی ارشد مهندسی نساجی دانشگاه صنعتی امیرکبیر

امروزه مفاهیم حکمرانی خوب و حکمرانی متعالی به طور چشمگیری در محافل علمی مورد بحث قرار می‌گیرد. حکمرانی خوب در کشورهای در حال توسعه در حال استقرار و نهادینه سازی است و سعی دارد شاخص‌های این الگو از جمله قانونمندی، کارآمدی دولت، شفافیت، پاسخگویی و کاهش فقر را در راستای اهداف نظام سرمایه داری پیاده سازی کند در حالی که حکمرانی متعالی اهداف والاتری را دنبال می‌کند و می‌توان گفت شکل‌گیری حکمرانی مطلوب اسلامی از رهیافت حکمران شایسته محقق شدنی است. تربیت حکمران شایسته و ایجاد یک ساختار مناسب جهت ظهور افراد مستعد این حوزه می‌تواند به عنوان یک کاتالیزور برای نیل به حکمرانی شایسته قلمداد شود. از سوی دیگر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نقطه عطفی بود که جامعه علمی کشور بود و دکترینی برای چهل‌ساله‌ی دوم انقلاب اسلامی ترسیم کرد. نیل به تمدن نوین اسلامی نیاز به کادر سازی و تربیت جوانانی دارد که انقلاب اسلامی را از بن دندان باور داشته باشند و به سوی ایجاد تمدن نوین اسلامی گام بردارند. در همین راستا یک تحقیق کیفی در این خصوص با استفاده از روش فیلیپ مایرینگ صورت گرفت که در آن به لزوم ایجاد شبکه کادرسازی اشاره شده است و همچنین خروجی آن یک فرایند ۵ مرحله‌ای شامل شناسایی و استعدادیابی، توانمندسازی و عرصه آفرینی، ارزیابی عملکرد میدانی، راهبری، رصد و انتقال تجربه و شبکه سازی است که هر کدام دارای سازوکار روشنی در این فرایند هستند.

کلیدواژگان: حکمرانی، حکمرانی خوب، حکمرانی شایسته، کادرسازی، گام دوم انقلاب اسلامی

یکی از مباحث مهم و در عین حال جدید که از دهه ۱۹۸۰ به بعد در ادبیات توسعه مطرح شده است موضوع حکمرانی خوب می‌باشد که این موضوع در کشورهای در حال توسعه و در راستای استقرار و نهادینه سازی جامعه مدنی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در فرهنگ دینی اسلام بارها به پدیده‌ی حکمرانی مطلوب اشاره شده است. دستورات صریح دین مبین اسلام در سال‌ها قبل از طرح ایده‌ی حکمرانی مطلوب، در قرآن کریم، روایات و سیره‌ی پیامبران و امامان بعنوان مبانی حکمرانی خوب بیان شده است لکن بعد از گذشت قرن‌ها، فلسفه غرب به تازگی آن را به عنوان دستاورد بشری و پیش نیاز توسعه همه جانبه ارائه نموده است. امروزه کم توجهی به منابع اصیل که همان حلقه مفقوده‌ی حکمرانی خوب در جوامع اسلامی است بیش از پیش مشهود می‌باشد و این در حالی است که اصول حکمرانی خوب کاملاً با ارزش‌های دینی و مبانی اسلامی تطابق دارد (شاه آبادی، ۱۳۹۲). انقلاب اسلامی ایران نیز با اتکا بر آرمان‌ها و ارزش‌های معنوی اسلام، داعیه دار حکمرانی شایسته شیعی در دنیای دو قطبی زمان خود است. پس از گذشت چهار دهه از آغاز انقلاب اسلامی، بیانیه گام دوم توسط رهبر معظم انقلاب بیان شد. به طور خلاصه چهار نقطه‌ی اساسی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی عبارت از عظمت حادثه انقلاب اسلامی، عظمت راه طی شده، کارکرد انقلاب تا به امروز و عظمت چشم انداز پیش رو می‌باشد. هدف نهایی و چشم انداز پیش روی انقلاب اسلامی که همان ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای شروع ولایت مهدوی می‌باشد. در همین راستا توصیه‌های انجام شده به منظور حرکت به سمت افق پیش روی انقلاب اسلامی عبارتند از اهتمام به علم و پژوهش، عدالت و مبارزه با فساد، معنویت و اخلاق، عزت ملی و روابط خارجی، اقتصاد، استقلال و آزادی و سبک زندگی. بیانیه مذکور نیز به دلیل حرکت رو به جلو و ایجاد دولت اسلامی صادر شده است (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷)؛ کلید واژه جوانگرایی و تحول عظیم در نظام مدیریتی کشور در بیانیه گام دوم مستلزم طراحی الگویی منسجم جهت رشد و تعالی لایه جوان کشور به منظور نقش آفرینی کلیدی در عرصه‌های مدیریتی و کلان می‌باشد. یکی از مهمترین نهادهایی که عهده‌دار این مسئولیت می‌باشند مجامع آموزش عالی بوده که تحول در نظامات آن منجر به تربیت و تعالی فرهیختگان علمی می‌شود. از نگاه معمار کبیر انقلاب اسلامی، دانشگاه مبدا همه تحولات است و در حال حاضر تفسیر و گفتمان سازی مفاهیم عمیق بیانیه گام دوم و عملیاتی ساختن مضامین آن به منظور تحقق فرایند انقلاب اسلامی در مرحله دولت اسلامی به عهده نهاد مقدس دانشگاه است. حال برای دستیابی به این مهم نیازمند به یک الگوی پویا هستیم تا در قالب این الگو عناصر مستعد حکمرانی در گام دوم انقلاب شناسایی شده و در مسیر رشد قرار گیرند. لذا هدف از تحقیق حاضر ارائه یک الگوی بومی است تا ذیل آن بتوان مراحل رشد و تعالی در توسعه حکمرانی مطلوب گام دوم انقلاب اسلامی را پیمود. (اشرفی، ۱۳۹۸).

۲- مبانی نظری و پیشینه تجربی

مبانی نظری:

این مفهوم هرچند برای نخستین بار در سال ۱۹۷۹ توسط ویلیامسون در ادبیات اقتصادی به کار رفت، اما استفاده اصلی و عمده آن به دهه ۱۹۸۰ و اقدامات نهادهای بین المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در پیشنهاد تغییرات ساختاری به کشورهای در حال توسعه به عنوان شرط اعطای کمک‌های مالی، مربوط می‌شود (سازمان بازرسی کشور، ۱۳۸۸). طرح توسعه سازمان ملل متحد معتقد است که حکمرانی خوب مشتمل بر سنت‌ها، نهادها و فرایندهایی است که تعیین می‌کند چگونه تصمیمات دولتی به صورت روز مره اتخاذ شوند (UNESCAP, 2008) و به پرسش‌هایی از این دست پاسخ می‌دهد که چگونه و تا چه حدی شهروندان می‌توانند در سیاست‌گذاری‌های جاری کشور حق اظهار نظر داشته باشند؟ چگونه می‌توان جلوی سواستفاده از قدرت و اختیارات دولتی را گرفت؟ کارگزاران دولت چه میزان پاسخگوی اقداماتشان هستند؟ و سوالاتی از این دست. حکمرانی خوب دارای ۸ مولفه اصلی است که به ترتیب عبارتند از: مشارکتی بودن، اجتماع محوری، پاسخگویی، شفافیت، مسئولیت پذیری، کارایی و اثربخشی، جامعیت و عدم تبعیض میان شهروندان و حاکمیت قانون. به این ترتیب حکمرانی خوب را می‌توان روند یا هدفی دانست که باید بتواند فقر، ناامنی و تبعیض را از میان بردارد و همچنین محیطی ایجاد کند که سازمان‌های مدنی، بخش بازرگانی، شهروندان و دیگر نهادهای مربوط، خود را مالک روند توسعه و مدیریت بخش‌ها بدانند.

از نظر برنامه توسعه ملل متحد حکمرانی خوب عبارت است از: حاکمیت با ویژگی‌هایی همچون مشارکت جویی، شفافیت، پاسخ گویی، اثربخشی، رعایت برابری، ارتقای حاکمیت قانون، و تعیین اولویت های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بر مبنای اجماع وسیع تر، که در آن ندای ضعیف ترین و آسیب پذیرترین افراد در اتخاذ تصمیمات و تخصیص منابع شنیده شود (برنامه توسعه ملل متحد، ۱۹۹۷، ص ۲۵). از نظر اداره انکشافی ایالات متحده آمریکا، حکمرانی خوب عبارت است از: حاکمیت دموکراتیک، شفاف، جمع گرا، مشارکت دهنده شهروندان در تصمیم گیری ها، نمایندگی از مردم، و پاسخ گویی که بر پنج مبنای تحکیم قانون گذاری، غیرمتمرکز و اداری حاکمیت محلی و دموکراتیک، ضد فساد،

دارای روابط کشوری - لشکری، و بهبود اجرای خط مشی تمرکز دارد (اداره توسعه ایالات متحده آمریکا، ۱۹۹۷، ص ۱). از نظر بخش توسعه بین المللی، حکمرانی خوب هفت شایستگی کلیدی دارد که عبارتند از: دارای خط مشی مشارکتی؛ رافع فقر و ثبات اقتصادی؛ مجری خط مشی های پشتیبانی از فقرا؛ تأمین کننده خدمات اساسی اثربخش به صورت عادلانه؛ تأمین کننده امنیت و سلامتی فردی؛ مدیریت پاسخ گویی راه کارهای امنیت ملی؛ توسعه دهنده دولت پاسخگو و امین (بخش توسعه بین المللی، ۲۰۰۱، ص ۹).

از نظر کافمن، حکمرانی خوب عبارت است از: حاکمیتی که بر مبنای ابعاد گوناگون (پاسخ گویی خارجی و ندای ذی نفعان، ثبات سیاسی و فقدان خشونت و تبه کاری و تروریزم، اثربخشی دولت، فقدان تحمیل قوانین، حاکمیت قانون، کنترل فساد قابل سنجش است (کافمن، ۲۰۰۳، ص ۵). همان گونه که ملاحظه می شود، تعاریف مزبور برای حکمرانی خوب عمدتاً، یا به شاخص ها و ویژگی هایی مانند پاسخ گویی، شفافیت و مشارکت اشاره دارد و یا به آثار مترتب بر این شاخص ها، مانند توسعه، امنیت، رفع فقر و ثبات اقتصادی، اما به عناصر و مؤلفه های حکمرانی خوب مانند دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی که بسیار مهم هستند، نپرداخته است. با توجه به تعاریف مزبور و تعاریف مشابه دیگر، حکمرانی خوب را می توان به این صورت تعریف نمود: نهادها (دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی)، فرایندها، و روش هایی که مشخص می سازد: تصمیم ها چگونه گرفته شوند؟ قدرت چگونه اعمال شود؟ و شهروندان چگونه نظریات و خواسته های خود را بیان دارند؟ (برنامه توسعه ملل متحد، ۱۹۹۹، ص ۲۵).

حکمرانی شایسته از نگاه امامین انقلاب:

امام خمینی می فرماید: اعتقاد من و همه مسلمین همان مسائلی است که در قرآن کریم آمده است و یا پیامبر اسلام (ص) و پیشوایان به حق بعد از آن حضرت بیان فرموده اند که ریشه و اصل همه آن عقاید که مهمترین و با ارزش ترین اعتقادات ماست، اصل توحید است. در دیدگاه توحید مدار امام خمینی جهانی هستی با وصف نظام احسن و نظام اجمل و به طور کلی بالاتر از همه نظام عدل توصیف می شود، زیرا بر اساس تعالیم الهی و قرآنی، نظام آفرینش و جهان خلقت عبث و بیهوده نبوده و بر محور عدل استوار است. یکی از مباحث اساسی و بسیار مهم در اندیشه سیاسی امام خمینی اعتقاد ایشان به ضرورت تشکیل حکومت اسلامی است. زیرا اجرای احکام الهی که ضامن سعادت انسان است، بدون ایجاد حکومت تحقق نمی پذیرد. لذا از نظر امام خمینی هدف کلی حکومت، ایجاد شرایط مساعد برای تعالی و سعادت انسان ها است. شرایطی که افراد مومن تربیت شوند، آن هم بوسیله ی مربیانی که احکام الهی محتوای دروس تربیتی آن ها است و غایت این تعالیم تربیتی رسیدن به کمال و سعادت اخروی است. بنابراین سیاست مطلوب و مورد نظر امام در چارچوب حکومتی با ویژگی هایی است که عبارتند از: سعادت محور بودن، توجه به هر دو بعد و ساحت انسانی که همان ساحت مادی و معنوی است، ایجاد جامعه ای مناسب برای رشد و تکامل انسان با توجه به هر دو بعد انسان، رعایت مصالح دنیا و آخرت عموم انسان ها، پرهیز از سلطه گری ناروا و عمل بر اساس عدل، نفی هرگونه ظلم و ستم، استبداد، استثمار و اجرای حدود الهی در جامعه (ضمیری، ۱۳۸۸). از نظر امام خمینی شکل حکومت اسلامی نخست با الهام گیری از سیره پیامبر اکرم (ص) و امیر المومنین (ع) و دیگر متناسب با شرایط و مقتضیات کنونی و سوم با مراجعه به آرای ملت و با اتکا به آن، تعیین خواهد شد. بر همین مبنا ایشان حکومت جمهوری اسلامی و یا نظام مردم سالاری دینی را پیشنهاد می دهد (ضمیری، ۱۳۸۸).

ایشان همچنین در این رابطه می فرمایند: حکومت جمهوری اسلامی مورد نظر ما از زاویه پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) الهام خواهد گرفت و متکی به آرای عمومی ملت خواهد بود و شکل حکومت با مراجعه به آرای ملت تعیین خواهد شد (امام خمینی، ۱۳۸۳، ۳۳۴). ایشان همچنین می فرمایند: حکومت اسلامی حکومت ملی است. حکومت مستند به قانون الهی و به آرای ملت است. این طور نیست که با قلدری آمده باشد که بخواهد خودش را حفظ کند (امام خمینی، ۱۳۸۳، ۲۱۳). در حکومت پیشنهادی امام خمینی در راس هرم قدرت ولی فقیه به عنوان حاکم اسلامی و عنصر مشروعیت بخش قرار دارد. امام خمینی ویژگی های حکمرانی شایسته را به صورت زیر بیان می کنند: قانون مداری، مشارکت سیاسی مردم، آزادی های مدنی، مبارزه با فساد، شفافیت و نظارت، پاسخگویی، وفای در تصمیم گیری ها، عدالت اجتماعی، استقلال قوا و کارایی و اثر بخشی. جمهوری اسلامی به عنوان نظامی مبتنی بر اسلام شیعی که ارزش های خود را متعلق به همه ابنای بشر می داند، باید به ساخت الگوی حکمرانی خوب بر اساس اندیشه امام خمینی، مبادرت ورزد. در مجموع می توان مؤلفه های نظریه ایشان را اینگونه برشمرد:

- ✓ مولفه‌های حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی امام اهدافی والاتر از زندگی دنیوی است که همانا رستگاری اخروی و سعادت واقعی را مد نظر دارد و کلیه احکام و دستورات دینی-سیاسی، بعدی اخلاقی و شرعی را در بر می‌گیرد.
 - ✓ امام در تعریف و تحدید آزادی‌ها، نگرشی شرعی و اسلامی دارند و لذا این موضوعات باید در انسجام با مبانی هستی‌شناختی ایشان تفسیر گردد و به آن پرداخته شود.
 - ✓ امام به عنوان یک روحانی و عضوی از یک قشر فرهنگی با دقت در مظاهر مختلف سیاست‌گذاری‌ها در زمینه فساد یا عدم فساد بر بعد زندگی اخلاقی انگشت می‌گذارند. لذا در موضوع حکمرانی خوب که بخشی از آن ناظر بر عدم فساد است، در یک دیدگاه کلان به آن توجه دارند و مظهر عدم سلامت و فساد سیاسی را فساد اخلاقی معرفی و به اشکال گوناگون در جامعه و در سیاست خود آشکار می‌کنند.
 - ✓ حکومت مورد نظر امام خمینی (ره) در اساس حکومتی است که بر اساس عدالت بنا شده باشد و بر مبنای عدالت نیز اداره شود.
 - ✓ حکومت اسلامی (قانونی): منظور امام از اسلامی بودن حکومت نیز همین است که بر قوانین الهی و دینی اسلام بنا شده باشد. حکومت اسلامی در منظر او حکومتی است که هدف آن تحقق احکام اسلام است، قوانین آن قوانین اسلام است و بنیاد و اساس آن را نیز جهان بینی اسلامی تشکیل می‌دهد.
 - ✓ الهی و معنوی بودن حکومت.
 - ✓ مردمی بودن حکومت و اتکا به آرای عمومی مردم.
 - ✓ غیر استبدادی و غیر تحمیلی بودن حومت.
 - ✓ هدف حکمرانی مورد تایید امام سعادت بشر است.
 - ✓ تساوی همه طبقات، اقشار و افراد جامعه در برابر قانون از مولفه‌های مورد نظر در اندیشه امام است (عبوضی، ۱۳۹۵).
- بر اساس نظریات رهبر انقلاب اسلامی، کارایی و اثربخشی در حکمرانی شایسته یعنی اینکه سازمان‌ها و فرایندها تلاش کنند تا به تمام ذینفعان در چارچوب زمانی معقول خدمات ارائه دهند. بر این اساس دستگاه‌های دولتی و سازمان‌ها و نهادها باید برای این امر بکوشند. با توجه به بیانات مقام معظم رهبری در طول سالیان تحت رهبری خود، چند شاخص در پیرامون اینکه باید به چه مواردی توجه کرد تا کشور و مملکت بتواند رویکرد بهتر و صریح‌تری در مواجهه با مسائل مختلف اتخاذ کند، را مطرح کردند. مخاطبان این مولفه‌ها گاهی مردم و گاهی دستگاه دولت هستند. که هر یک باید به نوبه‌ی خود از عهده آن‌ها برآید تا امیدوار بود که می‌توان کارایی را افزایش داد. در این پژوهش شاخص‌هایی که جست و جو و به دست آمده است به این ترتیب است: داشتن استقلال در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی. این سه استقلال در امتداد یکدیگر قرار دارند و راه رسیدن به استقلال فرهنگی که مهم‌ترین آن‌هاست از طریق رسیدن به استقلال سیاسی و اقتصادی به دست خواهد آمد. عدم استقلال سیاسی منجر به وابستگی خواهد شد. وجود اعتماد به نفس در بعد فردی و ملی لازمه‌ی حرکت رو به جلو و پیشرفت خواهد بود. نقش آموزش و پرورش، تلاش جهت شناسایی و شکوفایی استعدادها و تربیت نیروی انسانی متعهد در آینده است. بصیرت و داشتن قدرت تحلیل سیاسی، به نوعی خود شناسی و دشمن شناسی است. ساده زیستی لازمه زندگی دولتمردان است. ایشان همچنین داشتن اقتدار را ویژگی مختص دولتیان و دستگاه حکومتی و به ویژه نیروی انتظامی می‌دانند. در رابطه با کار و تلاش، کار یک ارزش و یک فضیلت اسلامی و عبادت است. باید اقتصادی داشت که در برابر آسیب‌ها مصون بماند (که ایشان بر اقتصاد مقاومتی تاکید دارند). در ارتباط با علم، مقام معظم رهبری بارها بر اهمیت علم آموزی تاکید وافری داشته‌اند و آن را کلید حل بسیاری از مشکلات کشور میدانند و آن را عامل اساسی جهت رسیدن به پیشرفت و توسعه که مورد تایید اسلام و فقه باشد، می‌دانند.
- ایشان در بحث مشارکت نکاتی را بیان می‌کنند که به طور خلاصه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. مشارکت سنگ بنای حکمرانی شایسته به شمار می‌رود. در مشارکت، مردم می‌توانند به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، دولتمردان و نمایندگان را انتخاب کنند. بنابراین یکی از مولفه‌های شاخص مشارکت، انتخاب است. بنابر رویکرد اسلامی و فرمایشات مقام معظم رهبری، تاکید اساسی مبنی بر حضور و مشارکت مردم در عرصه‌های

مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و دفاعی وجود دارد. مردم سالاری دینی راقی ترین نوع مردم سالاری است زیرا در چارچوب احکام و هدایت الهی است. منظور از آزادی در اینجا آزادی اجتماعی است. نوعی آزادی که به مثابه یک حق انسانی برای اندیشیدن، گفتن و انتخاب کردن است. دین بزرگترین پیام آور آزادی است. به برکت آزادی است که اندیشه‌ها رشد پیدا می‌کند و استعدادهای شکوفا می‌شود. اصلاح طلبی جزو ذاتی انقلاب است.

انقلاب یعنی یک حرکت بزرگ رو به جلو که هرگز ایستایی ندارد و به طور دائم پیش رونده است. این پیش روندگی همان اصلاح طلبی است. اصلاح طلبی یک پز سیاسی نیست. اصلاح این است که هر نقطه خرابی، نارسای و فاسدی به یک نقطه صحیح تبدیل شود. در کشور ملت همیشه در صحنه است و خود را صاحب مملکت و مدافع ارزش‌های انقلاب و کشور می‌شناسد و خود را از مسئولان جدا نمیداند. لذا قدرت متعلق به دولتمردان نیست بلکه قدرت جنبه عمومی و متعلق به مردم است. مسئولان به پشتیبانی مردم و توکل به خدا متکی هستند. باید مکانیزمی ایجاد کرد که کارگزاران حکومتی، خودشان را به معنای حقیقی کلمه، خدام و خدمت گزار مردم بدانند. تا می‌توانند زحمت بکشند و در انجام وظیفه خود کوتاهی نکنند. در اسلام و نظام جمهوری اسلامی، فلسفه مسئولیت پیدا کردن مسئولان در کشور این است که برای مردم کار کنند. جوانان در هر کشوری، محور حرکت هستند. آنچه که از جوان خواسته می‌شود: تحصیل، تهذیب و ورزش است. اینکه در زمینه مسائل کشور، مخصوصاً در مسائل اقتصادی توجه به اشتغال جوانان و جهت گیری فکری و روحی و فرهنگی آنان مهم است. یکی از مصادیق اجماع، وحدت داشتن است. اتحاد و اتفاق این است که سلیقه‌های گوناگون در کنار هم بنشینند، دست در دست هم دهند، منافع ملی را بر احوال شخصی مقدم بدارند. خودخواهی‌ها را وارد عرصه‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی نکنند.

در بحث حاکمیت قانون نیز مواردی زیر قابل بیان است. بر اساس تعریف شاخص قانون گرایی در حکمرانی خوب، توجه به حقوق شهروندی و در راس آن، حقوق اقشار ضعیف و اقلیت‌ها اهمیت زیادی دارد. اجرای بیطرفانه قانون تنها با جود سیستم قضایی مستقل و سالم امکان پذیر است. مقام معظم رهبری در ارتباط با لازمه توجه به قانون در بیانات خود بر آن تاکید دارند. در این شاخص، می‌توان مولفه‌های حاکمیت قانون و حق گرایی را مورد توجه قرار داد. در بحث قانون گرایی، قانون اساسی ستون فقرات و مرکز اصلی سلسله اعصاب نظام و معیار و ضابطه است. بر اساس قانون، همه چیز در جای خود قرار گرفته است. همه باید قانون را رعایت کنند، عمل به قانون مانع از نفوذ دشمن خواهد شد. قانون اساسی، علاج اساسی دردهای این کشور است. قانون اساسی کشور ضامن حفظ نظام اسلامی است که می‌تواند پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی انسان‌ها باشد. در این فصل به بحث ویژگی‌های قانون، جایگاه عدل در قانون و به مراکز قانون گذاری اشاره شده است.

ایشان در زمینه عدالت و انصاف، توجه به محرومین، تقوای فردی، آرمان گرایی و پیشرفت نکات مهمی را ذکر می‌کنند که در این قسمت به طور خلاصه به آن پرداخته می‌شود.

فوری ترین هدف تشکیل نظام اسلامی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی است. هدف اصلی رسالت پیامبران و نزول کتاب به این دلیل است که مردم در قسط و عدل زندگی کنند. هر نظام سیاسی به ظاهر اسلامی اگر به دنبال تامین قسط و عدل نباشد غیر اسلامی خواهد بود. در نظام اسلامی، عدالت مبنای تصمیم‌گیری‌های اجرایی است و همه مسئولان نظام باید در صدد اجرای عدالت در جامعه باشند. مقام معظم رهبری در بیانات خود بارها بر رعایت عدالت اجتماعی تاکید داشته‌اند. ایشان همچنین رسیدگی به حال محرومان را از اولویتهای کار دستگاه دولتی می‌دانند. به نظر ایشان، عدالت خواسته یک ملت و جماعت خاص نیست. عدالت خواسته طبیعی و تاریخی همه آحاد بشر در طول تاریخ است. همانطور که گفته شد هدف اصلی برقراری عدالت اجتماعی است. یعنی کمک به طبقات محروم جامعه. مقدمه رسیدن به این هدف رونق اقتصادی و تلاش و سازندگی است. باید سازندگی و پیشرفت اقتصادی در جهت رسیدن به عدالت اجتماعی و بهبود زندگی محرومان باشد. در اسلام در مورد مسائل اجتماعی هیچ چیز به اندازه عدالت مورد توجه قرار نگرفته است. همه باید به طور یکسان از خیرات نظام اسلامی بهره‌مند شوند. برترین گام در راه استقرار عدل، رفع محرومیت از طبقات محروم و تهیدست و کم درآمد است که تشکیل دهنده و پشتیبان نظام اسلامی قشرهای محروم جامعه هستند و راز پایداری و دوام نظام بدلیل حضور این توده عظیم مردمی بوده است.

وظیفه ما به عنوان یک جامعه، یک نظام و حکومت این است که احکام الهی را در سطح جامعه، معیار و ملاک عمل عمومی قرار دهیم. ملتی که به خدا متعهد و متکی است شکست ناپذیر است. عاملی که باعث جذب ملتها به ایران اسلامی می‌شود، ایمان و اسلام و مبارزه در راه هدف‌های بزرگ اسلامی است. اصلی‌ترین عنصر تشکیل دهنده نظام عبارت است از اسلام‌گرایی و تکیه بر مبانی مستحکم اسلامی و قرآنی. انسان هر کاری که انجام می‌دهد در درجه اول هدفش کسب رضایت الهی باشد. اساس کار یک مسئول این است که برای کار و تلاش همت کند و هدف اصلی خود را هم رضای الهی قرار دهد که در طول رضای الهی، رضای مردم است. زمانی که فرد برای خدا قبول مسئولیت کرد، کارها بر او آسان خواهد شد. از مولفه‌هایی که می‌توان برای رسیدن به عدالت استفاده شود، آرمان‌گرایی است. بدون آرمان نه می‌توان درست زندگی کرد و نه تلاش انسان منضبط خواهد بود. باید آرمان و خط روشن و افق واضحی در مقابل وجود داشته باشد که به انسان جهت دهد. مصلحت‌اندیشی در مقابل آرمان‌گرایی نیست. البته اگر جوان هم به دنبال مصلحت‌گرایی رود و صد در صد با واقعیت‌ها کنار آید، آن زمان آرمان‌ها از ریشه‌ها قطع و گم خواهد شد. نگاه باید آرمانی باشد منتها با توجه به واقعیت. که می‌خواهیم به آرمان‌ها برسیم منتها در کنار آن واقع بینانه لازم است. به طور خلاصه، ایشان همچنین مواردی از قبیل تحول خواهی و اصلاح، مسئولیت‌پذیری، تکلیف‌گرایی، انتقادپذیری، امر به معروف و نهی از منکر، داشتن وجدان کاری، فرهنگ رزمندگی و جهاد، منتقد بودن و انتقادپذیری و پویایی مدیران در بازبینی سیستم خودشان را جزو مولفه‌هایی برای ایجاد حکمرانی شایسته می‌باشد.

کادر سازی مدیریتی:

در ابتدای شروع این بخش از تحقیق و درباره اهمیت موضوع کادر سازی و رشد و تربیت حکمرانان تراز انقلاب اسلامی، رهبر معظم انقلاب اسلامی فرمودند: "آن کاری که دو سه سال اول انقلاب باید می‌شد و نشد و من متأسفم، تربیت مدیر است." علاوه بر آن ایشان از پیش‌بینی ایجاد یک مدل حکمرانی جدید خبر می‌دهند که ممکن است طی سالیان پیش رو شکل بگیرد؛ به طوری که این مدل تمام ساختارهای جوامع بشری از اقتصاد، سیاست و فرهنگ را تحت تأثیر قرار می‌دهد. لذا چنانچه برای آن علل ایجاد نشود این مسئله تبدیل به یک معضل خواهد شد. تحقق فرایند انقلاب اسلامی مستلزم تحقق سیر انقلاب، نظام، دولت، جامعه و تمدن اسلامی است. در طی این مسیر، مراحل انقلاب و نظام‌سازی طی شده و انقلاب در آستانه ترسیم دولت اسلامی مبتنی بر انتظارات رهبر انقلاب قرار گرفته است و تحقق تمدن اسلامی مستلزم عبور از این مرحله مهم می‌باشد. نظام اسلامی چنانچه بخواهد به ارزش‌های مبنایی خویش تحقق بخشد، یک دستگاه مدیریتی لازم دارد که آن می‌شود دولت انقلابی (اسلامی). بنابراین مرحله بعد از نظام انقلابی (اسلامی)، ایجاد دولت انقلابی (اسلامی) است. دولتی که ارکان آن انقلاب را از بن دندان باور داشته باشند و به دنبال انقلاب باشند.

در همین راستا رهبر انقلاب اسلامی در گفت و گوی تصویری با نمایندگان تشکلهای دانشجویی این نکته را یادآوری کردند که دولت جوان حزب اللهی راه علاج مشکلات کشور است. اینها هستند که اگر متعهد باشند می‌توانند در نظام مدیریتی کشور یک تحول عظیمی را به وجود بیاورند. از سوی دیگر ایشان در بیانات خود در تاریخ نوزدهم دی ماه سال ۱۳۹۹ می‌فرمایند: ((من معتقد به تکیه به نیروهای جوانم و به آن اعتقاد راسخ دارم. معنای اعتقاد به نیروهای جوان این است که اولاً در برخی از مدیریت‌های مهم کشور از جوان‌ها استفاده شود و به جوان‌ها اعتماد بشود؛ ثانیاً از ابتکارهایی که انجام می‌دهند و حرکت این‌ها و حوصله و نشاط و کار این‌ها استقبال بشود. این که ما می‌گوییم از این‌ها استفاده نکنیم معنایش این نیست که نسل قبلی را به کلی کنار بگذاریم. نه؛ بر حسب اقتضا، یک جا مدیریت یک جوان، یک جا مدیریت یک فرد مجرب و کارکشته)). این دوگانه استفاده از ظرفیت‌های مدیران جوان و خبرگان کارکشته می‌تواند بعنوان یک الگوی انتصاب مدیران مورد واکاوی قرار گیرد. برای پرورش مدیران شایسته به الگوی شایستگی مدیران جوان تراز در گام دوم انقلاب اسلامی نیاز است؛ که دستیابی به این الگو نیازمند تعریف شایستگی‌های مدیریتی، شایستگی‌های تخصصی و شایستگی‌های اعتقادی و ارزشی است. این شایستگی‌ها را می‌توان به صورت جدول زیر خلاصه کرد.

جدول ۱ انواع شایستگی‌های مدیریتی

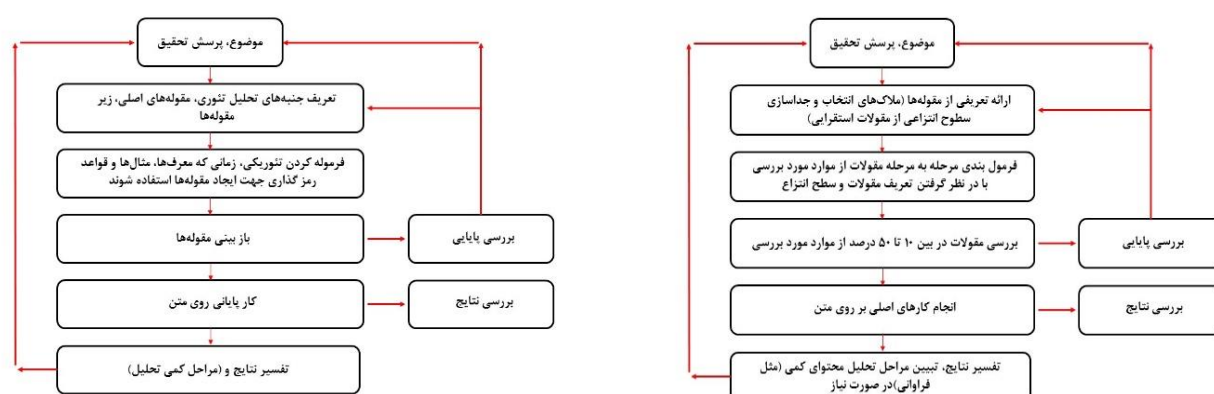
شایستگی اصلی	ابعاد شایستگی	شایستگی فرعی
شایستگی‌های اعتقادی و ارزشی	بینشی و فکری	تعهد و پایبندی به هویت ایرانی-اسلامی / فهم عمیق از مبانی و اصول انقلاب اسلامی / انسان‌گرایی / عدالت محوری / آرمان گرایی / فهم عمیق از مبانی و اصول حکمرانی اسلامی
	رفتاری و اخلاقی	تقید به مسائل دینی / اخلاص / تکلیف‌مداری / پاکی و صلاحیت خانوادگی / روحیه خدمتگزاری و سخت‌کوشی / تواضع و فروتنی / ساده‌زیستی و پرهیز از تجملات / صداقت در گفتار و رفتار
شایستگی‌های تخصصی	قلمروهای تخصصی آینده	فضای مجازی / اقتصاد مقاومتی / انرژی / آب و منابع طبیعی /
شایستگی‌های مدیریتی	روحیه و سبک	انگیزه و انرژی / تحول‌گرایی / عزت نفس / دارای انعطاف و اقتضاء پذیری / اعتماد به نفس جسارت و شجاعت / یادگیری مستمر و رشد و توسعه فردی / سرمایه اجتماعی (مقبولیت اجتماعی) / سعه صدر و نقد پذیری / تعهد و مسئولیت پذیری / انضباط فردی و آراستگی ظاهری
	مهارتی	خلاقیت و نوآوری / داشتن قدرت تشخیص و تجزیه و تحلیل / مدیریت بر خود و خودکنترلی / دارای حافظه قوی و قدرت به یادسپاری
	انسانی و ارتباطی	مهارت‌های ارتباط‌گیری و تعامل / توان بهره‌مندی از خرد جمعی و کارگروهی / توانمند در بکارگیری رشد‌دهنده / توان استفاده از ظرفیت‌های مردمی / توان مذاکره و گفتگو / هوش سیاسی
	ادراکی و تحلیلی	توانمندی حل مسئله / توانمند در طراحی و برنامه‌ریزی / توان ترسیم و انتقال چشم انداز قوی از سازمان / قدرت تصمیم‌گیری / تفکر راهبردی / تفکر سیستمی / تفکر تحلیلی / توان تحمل ابهام / توان تصمیم‌سازی / توان پیش‌بینی آینده
	فنی و اجرایی	مهارت اداره جلسات و کمیسیون‌ها / توانمند در انگیزش و مدیریت تعارض / توانمند در مدیریت تحول / آشنایی با نظامات و رویه‌های سازمانی / توانمند در مدیریت بحران / دانش شغلی / توانمندی در بودجه‌ریزی / فن نگارش / مهارت تقسیم کار و سازماندهی / مهارت ارزیابی عملکرد / توانمندی در بکارگماری منابع انسانی

۳- روش پژوهش

تحلیل محتوای کیفی یکی از روش‌های پژوهش کیفی است که به صورت گسترده به کار گرفته می‌شود. تا کنون سه رویکرد سنتی، هدایت شده و جامع برای کاربرد تحلیل محتوای کیفی مطرح شده است. تمام رویکردها برای تحلیل مفهوم محتوای متن به کار گرفته می‌شوند و با دیدگاه طبیعت گرایی همخوانی دارند. تفاوت عمده این رویکردها در چگونگی کدگذاری، اساس کدها و تهدیدهای مربوط به درستی داده‌ها است (قائدی و گلشنی، ۱۳۹۵). در تحلیل محتوا به روش سنتی، طبقات به گونه مستقیم از متن داده استخراج می‌شوند. در رویکرد هدایت شده، اساس تحلیل را نظریه‌های موجود و یا نتایج پژوهش‌های پیشین به عنوان کدهای اولیه و راهنما تشکیل می‌دهند. تحلیل محتوا با رویکرد جامع با شمارش واژگان آغاز می‌شود و سپس بافت و زمینه مربوط به متن مورد تحلیل قرار می‌گیرد (Graneheim, 2004).

در به کار گیری روش تحلیل محتوای کیفی، فیلیپ مایرینگ جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. اثر وی در رابطه با پیامدهای اجتماعی-روانی بیکاری که در دهه ۱۹۸۰ انجام شد، نخستین ادبیات استاندارد و روشمند در این زمینه به شمار می‌رود و بسیاری از کارهایی که در این زمینه وجود دارند به گونه‌ای از روش او الهام گرفته‌اند (Kohlbacher, 2006). در مقاله‌ها و آثاری که مایرینگ در راستای توصیف روش تحلیل محتوای کیفی نگاشته است، سه رویکرد برای تحلیل محتوا پیشنهاد شده است:

نخست رویکردی که در آن پژوهشگر با حفظ ساختار متن می‌کوشد داده‌ها را تا جای ممکن خلاص کند. دوم رویکردی که پژوهشگر در عین خلاصه کردن به سطحی از تحلیل دست می‌زند و در نهایت رویکردی که در آن کوشیده می‌شود ساختار حاکم بر متن بیرون کشیده شود (قائدی و گلشنی، ۱۳۹۵). مایرینگ برای تحقق اهداف بیان شده و رویکرد متمایز استقرایی و قیاسی را پیشنهاد می‌کند (Mayering, 2003). نمودار رویکرد استقرایی (سمت راست) و قیاسی (سمت چپ) در زیر نمایش داده شده است.



شکل ۱ رویکردهای استقرایی و قیاسی فیلیپ مایرینگ

۴- یافته‌های پژوهش

حکمرانی خوب یکی از مفاهیم پرکاربرد جامعه علمی امروز است که به وسیله آن تلاش می‌شود تا قوانین مشخصی را جهت بهبود شرایط عمومی جامعه در کشورهای مختلف پیاده سازی کند. امروزه به شاکله‌ی این نوع حکمرانی نقدهای بسیار جدی وارد شده و مفاهیم تکمیلی مانند حکمرانی متعالی وارد ادبیات علمی شده که تلاش آن بر این است تا ضعف‌های موجود در حکمرانی خوب را پوشش دهد و مفاهیم بهتری را ارائه دهد. از جمله مفاهیم جدید این حوزه می‌توان به حکمرانی متعالی اشاره کرد که به طور کلی تلاش می‌کند تا در راستای منافع تمام افراد جامعه گام بردارد.

پیاده سازی حکمرانی متعالی در یک جامعه از رهگذر وجود یک حکمران با تراز حکمران متعالی اتفاق می‌افتد و وجود این شخص در

پست‌های کلیدی باعث تسهیل اجرای حکمرانی متعالی در جامعه می‌شود. بنابراین یکی از موارد بسیار مهمی که همواره تمامی ملت‌های دنیا به دنبال آن هستند، شناسایی و تربیت افراد کارآمد در این حوزه می‌باشد.

طی سالیان بعد از انقلاب اسلامی یکی از مسائل مهمی که همواره مغفول از توجه مانده است ایجاد یک شبکه و چرخه‌ی کارآمد کادرسازی بوده، تا به وسیله‌ی آن بتوان افراد مستعد این حوزه را برای مشاغل و پست‌های حساس و کلیدی شناسایی کرد. چرا که این مشاغل به طور معنی داری با رضایتمندی مردم جامعه رابطه دارد. در بعضی از موارد مشاهده می‌شود که عدم وجود یک ساز و کار مشخص باعث می‌شود تا افراد غیر متخصص یا افرادی که تربیت یافته‌ی غرب و سیستم‌های آموزشی دیگری هستند در مشاغل کلیدی مشغول به کار شوند.

بنابراین با توجه به توضیحات فوق نیاز به یک ساز و کار احساس می‌شود تا بوسیله آن بتوان مشاغل کلیدی و پست‌های حساس را شناسایی کرد و از طرف دیگری چرخه‌ای تعریف کرد تا افراد شایسته را جهت تحقق حکمرانی شایسته برای این مشاغل منصوب کرد.

لذا یک مطالعه بر روی مشاغل کلیدی و نظام انتصاب و جانشین پروری انجام شد و تمامی این مشاغل به همراه تعداد جایگاه‌های حساسشان شناسایی شدند که به دلیل مفصل بودن مطالب از توضیح آن خودداری می‌شود. حال نیاز به ایجاد چرخه‌ای است که به وسیله آن بتوان افراد شایسته این مشاغل را شناسایی کرد که در جامعه ایران با توجه به تمرکز نخبگان، مردم و جریانات متخاصم خارجی بر تحریم، به نظر می‌رسد عرصه‌هایی مانند اقتصاد و تجارت، سلامت، فرهنگ و رسانه، IT، صنایع و معادن، انرژی و مدیریت راهبردی دارای اولویتی فراتر از سایر عرصه‌ها در حوزه اثر گذاری می‌باشند.

در همین راستا دو لایه از افراد تحت عنوان استعدادها و مستعدین باید شناسایی شوند. مستعدین افرادی هستند که دارای پتانسیل مدیریتی هستند ولی در سطح ملی از تجربیات کافی بهره مند نیستند. در سوی دیگر لایه استعدادها افرادی هستند که علاوه بر دارا بودن پتانسیل مدیریتی از تجربه کافی نیز برخوردار هستند. بنابراین سامانه‌ای طراحی شده که این دو لایه از افراد بتوانند اطلاعات دقیق خود را ثبت کرده و با تجزیه و تحلیل آن یک دفترچه شخصیت از هر فرد تشکیل می‌شود و شایستگی آنان ارزیابی شده با عرصه‌های شناسایی شده مطابقت داده می‌شود.

شناسایی لایه مستعدین از میان شبکه‌های دانشجویی و نخبگان فعال در عرصه‌های تخصصی و دانش بنیان و تشکیل بانک داده آنان به عنوان اولین گام تشکیل اتاق وضعیت حکمرانی و رشد و تعالی حکمرانان محسوب می‌گردد. ایجاد بانک اطلاعاتی از استعداد و بانک داده‌ای از افرادی که پتانسیل مدیریتی مناسبی دارند، اما قرارگیری آن‌ها در مناصب مدیریتی نیازمند کسب تجربه بیشتر و افزایش شایستگی‌هایی است که انتصاب آنان را در جایگاه‌های ذکر شده تسهیل نماید. بنابراین مدیریت کاربران در این داشبورد یکی از وظایف بسیار مهم جهت احصا افراد متخصص به منظور حضور در مشاغل کلیدی می‌باشد. تطابق شایستگی‌های فرد با مشاغل کلیدی شناسایی شده و پیدا کردن نقاط مشترک این دو از مهمترین مسائل ارزیابی شغل و شاغل می‌باشد.

به طور کلی چرخه کادرسازی باید ۵ گام شناسایی و استعدادیابی، توانمندسازی و عرصه آفرینی، ارزیابی عملکرد میدانی، راهبری، رصد و انتقال تجربه و شبکه سازی را طی کند و هر یک از این مراحل دارای عملکرد مشخصی در این فرایند است. علاوه بر آن ارزیابی مداوم این چرخه و افراد موجب پویایی این مکانیزم خواهد شد.

عناصر کارآمد این فرایند محصلین مدارس و دانشگاه‌ها هستند. افراد مستعدی که با خروج از مدارس و اتمام تحصیل در دانشگاه شناخت و ارزیابی چندانی نسبت به استعدادها و توانمندی‌های آنان وجود ندارد؛ همچنین مستعدینی که در بخش خصوصی و شرکت‌های دانش بنیان در حال نقش آفرینی هستند بعنوان شبکه گسترده مستعدین کادر کشور شناخته می‌شوند که شناسایی استعدادها و ظرفیت‌های فردی و شبکه ای آنان زمینه هدایت این استعدادها و ظرفیتها را به سمت بخش تخصصی خود و بهره مندی مضاعف کشور از ظرفیتهای آنان را فراهم خواهد کرد. از سوی دیگر یک سری از مدیران عالی وجود دارند که به دلیل تحولات مدیریتی و سیاسی از پشت‌های خود کنار گذاشته شده اند یا در مناصب دیگری مشغول به فعالیت هستند. اینها همان لایه استعدادها هستند که علاوه بر دارا بودن پتانسیل مدیریتی از تجارب مکفی در این زمینه بهره مند هستند. اما بعضا فرصت مناسب برای رشد مناسب آن‌ها فراهم نشده است. از سوی دیگر مدیرانی وجود دارند که به دور از تحولات سیاسی دائما در پست‌ها مختلفی نقش آفرینی می‌کنند و به همین دلیل بازدهی لازم را در هیچ یک از مناصب خود ندارند.

به همین خاطر وجود یک داشبورد مدیریتی در قواره حاکمیت به همراه مدیریت کاربران که مجموع شایستگی‌های پست و شغل در آن طراحی شده و شبکه مدیران فعال در ساختار مدیریتی کشور با هر سطح توانمندی در آن وجود داشته باشند از اولویت‌های مهم کشور می‌باشد.

این داشبورد مدیریتی متشکل از ثبت اطلاعات همه ظرفیت‌های مدیریتی کشور است که در سطوح و خوشه‌های مرتبط با تخصص و تجارب خود دسته بندی می‌شوند و در همان خوشه و عرصه رشد داده می‌شوند و می‌توانند در عرصه‌های مناسب خود نقش آفرینی کنند.

علاوه بر جمع آوری اطلاعات شخصی، این داشبورد در مقاطع مختلف مدیریتی، ارزیابی‌های شخصیتی، تخصصی و مدیریتی از مدیران میانی و عالی ارائه نموده و انتصاب مدیران ذکر شده در مشاغل بعدی مستلزم تایید و دریافت اعتبارنامه از این مکانیزم می‌باشد. به عبارت دیگر می‌توان گفت که این داشبورد به عنوان اتاق وضعیت مدیریت کشور، خلاهای مدیران توانمند در عرصه‌های کلیدی را نمایان ساخته و سازوکار شناسایی و کادر سازی در حوزه تخصصی مزبور را فعال تر می‌نماید.

از سویی مدیران در طول زمان مدیریت خویش آزمون و خطاهایی دارند که بعضاً این آزمون و خطاها به عنوان نقطه ضعف دوران مدیریتی لحاظ شده و آنان را گردونه مدیریت خارج می‌کند. حال اینکه رصد جریان مدیریتی یک فرد و راهبری وی با مولفه‌هایی چون انتقال تجربه و توسعه فردی و سازمانی، می‌تواند این آزمون و خطا را از تهدید به فرصتی برای رشد او تبدیل کند. لذا این مورد یکی از نقاط روشن این مکانیزم است. چرا که حاکمیت همواره هزینه‌های بساری را برای رشد یک مدیر، چه در لایه میانی و چه در سطوح عالی انجام می‌دهد و خروج یکی از مدیران از گردونه مدیریت، خسارت قابل توجهی به نظام مدیریتی وارد می‌سازد.

راهبری مدیران دانسته و با ایجاد بسترهای متنوع رشد و انتقال تجربه و مصون سازی آنان از تحمیل هزینه‌های آزمون و خطا به خود و سازمان محل تصدی، از ویژگی‌های داشبورد متمرکز ملی مدیریتی است. نهایتاً مدیران میانی و عالی با هر تغییر، ارتقاء، جابجایی و رشد باید خود را در شبکه مدیران جمهوری اسلامی مفروض دانسته و الزامات مدیریت در این چارچوب را بپذیرند. لذا شبکه‌سازی مدیران در داشبورد مزبور و حفظ ارتباط مستمر با آنان از ماموریت‌های دیگر این داشبورد است.

با توجه به توضیحات فوق می‌توان گفت که تمام فعالیت‌های فوق و چرخه‌ی ذکر شده در نهایت منجر به افزایش کارایی، بهره‌وری و رضایتمندی می‌شود و با توجه به کارا شدن و استفاده از متخصصین در پست‌های کلیدی باعث پیاده سازی حکمرانی متعالی شده و علاوه بر آن باعث پیشبرد جامعه به سوی تمدن نوین اسلامی خواهد شد.

۵- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

حکمرانی خوب در کشورهای در حال توسعه در حال استقرار و نهادینه سازی است و سعی دارد شاخص‌های این الگو از جمله قانونمندی، کارآمدی دولت، شفافیت، پاسخگویی و کاهش فقر را در راستای اهداف نظام سرمایه داری پیاده سازی کند در حالی که حکمرانی متعالی اهداف والاتری را دنبال می‌کند و می‌توان گفت شکل‌گیری حکمرانی مطلوب اسلامی از رهیافت حکمران شایسته محقق شدنی است. تربیت حکمران شایسته و ایجاد یک ساختار مناسب جهت ظهور افراد مستعد این حوزه می‌تواند به عنوان یک کاتالیزور برای نیل به حکمرانی شایسته قلمداد شود. بنابراین چرخه‌ای جهت شناسایی و به کار گیری این عناصر طراحی شد که مشتمل بر ۵ بخش شناسایی، استعداد یابی، توانمند سازی، عرصه آفرینی و ارزیابی می‌باشد.

- [۱] پژوهشنامه نهج البلاغه - تابستان ۱۳۹۲ - شماره ۲، ابوالفضل شاه آبادی - امنه جامه بزرگی
- [۲] خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷)، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی
- [۳] اشرافی، مجتبی (۱۳۹۸)، راه اینجاست، تحلیل گفتمانی گام دوم ماندگاری انقلاب اسلامی
- [4] UN (2008), Public Governance Indicators: A Literature Review, Department of Economic and Social Affairs, newYork. (available at: <http://unpan1.un.org/intradoc/groups/public/documents/UN/UNPAN027075.pdf>) (unesap) United Nations Economic and Social Commission for Asia and the Pacific
- [5] UN (1996), Governance, Participation and Partnerships, background papers prepared by the United Nations Department of Public Information for the United Nations Conference on Human Settlements,
- [6] Kaufmann, D., Kraay, A. and Mastruzzi, M. (2003). (Governance matters VIII: Aggregate and individual governance indicators 1996-2008,) World Bank Policy Research Working Paper 4978, pp. 1-103
- [7] UN (2007), Public Governance Indicators: A Literature Review, Department of Economic and Social Affairs, newYork. (available at: <http://unpan1.un.org/intradoc/groups/public/documents/UN/UNPAN027075.pdf>) (unesap) United Nations Economic and Social Commission for Asia and the Pacific
- [۸] ضمیری، عبدالحسین (۱۳۸۸)، حکمرانی مطلوب در اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی، چاپ اول، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی معاونت پژوهشی دفتر گسترش تولید علم.
- [۹] خمینی، روح الله، (۱۳۸۳)، صحیفه نور، تهران موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- [۱۰] عیوضی، محمد رحیم، (۱۳۹۵)، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام (علمی - پژوهشی) سال پنجم، شماره ۱۹
- [11] Kohlbacher, F. (2006). The Use of qualitative Content analysis in Case Study research. In Qualitative Social Research. Volume 7.NO 1
- [12] Graneheim, U.H. & Lundman, B. (2004) Qualitative Content Analysis in nursing research: Concepts, Procedures and Measures to achieve trustworthiness. Nurs Edu Today: VOL 24
- [13] Mayring, Ph. (2003) in: A Companion To Qualitative Research. Edited by Uwe Flick, Ernest Von Kardorff and Ines Steinke. London: sage
- [۱۴] قائدی، محمدرضا؛ گلشنی، علیرضا. (۱۳۹۵). روش تحلیل محتوا، از کمی گرایی تا کیفی گرایی. روش‌ها و مدل‌های روانشناختی، (۲۳)، ۵۷-۸۳